

DOI: [10.22034/wasj.2024.423496.1020](https://doi.org/10.22034/wasj.2024.423496.1020)

West Asia Journal (WAJ)

Vol. 2, No. 1(4), Spring 2024

Received Date: 11/02/2023

Accept Date: 06/12/2024

Article Type: Original

Research

PP: 67-87



فصلنامه غرب آسیا

سال ۲، شماره ۱ (۴)، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۶۷-۸۷

## عوامل بنیادین استمرار چرخه توسعه نیافتگی اقتصاد

### سیاسی ایران

وریا شبرندی<sup>۱</sup>، دکتر سجاد بهرامی<sup>۲</sup>

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

#### چکیده

در طول قرون متمادی، ایران نظام‌های سیاسی گوناگونی را تجربه کرده است، اما به رغم زوال و ظهور نظام‌های سیاسی پی در پی، هم چنان از توسعه نیافتگی اقتصادی رنج می‌برد. لذا در این مقاله سوال اصلی تحقیق این گونه طرح شده است، که چه عوامل بنیادینی سبب استمرار عملکرد نامطلوب ایران در زمینه اقتصادی شده است؟ در پاسخ نیز این فرضیه مطرح گردیده است که نظم دسترسی محدود و عدم گذار به نظم دسترسی باز عامل بنیادین توضیح دهنده استمرار عملکرد نامطلوب اقتصادی ایران است. روش پژوهش در این مقاله روش تاریخی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه ای است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نظم دسترسی محدود به شیوه‌ای بر نظام انگیزشی ایران در طول قرون اثر گذاشته است که بیش از آن که مشوق خلاقیت و ابداع و کار باشد، مشوق رانت جویی و رشد افراد به هزینه کل بوده است. این امر توضیح دهنده عدم هم افزایی دستاوردها با منافع کل و در نتیجه استمرار عملکرد نامطلوب اقتصادی ایران است.

**کلید واژه‌ها:** ایران، چرخه توسعه نیافتگی، نظم دسترسی محدود، ائتلاف برای رانت

<sup>۱</sup>دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: [veryashbrandi@gmail.com](mailto:veryashbrandi@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.  
[Sbahrani@guilan.ac.ir](mailto:Sbahrani@guilan.ac.ir)

## مقدمه

در قرن نوزدهم میلادی که ایران با هجوم روسیه تزاری از جانب شمال و نفوذ انگلیس از جنوب مواجه شده بود هم چون تاریخ طولانی‌اش یک اقتصاد معیشتی متکی به بخش کشاورزی سنتی داشت که از مشخصه‌های آن تکرار مکرر دوره‌های قحطی و فقر گسترده بود. این اقتصاد سیاسی یا به عبارتی ساختار تولیدی قادر نبود ثروت و قدرت ایران را به شیوه‌ای افزایش دهد که قابلیت صیانت از خود را در برابر قدرت‌های مدرن غربی داشته باشد. مواجهه با دولت‌های استعماری غربی از شمال و جنوب، الیت‌های ایران را متوجه عقب ماندگی شگرف از جوامع صنعتی کرد. لذا پرسش از چرایی عقب ماندگی به مسأله‌ای جریان‌ساز در ایران تبدیل شد، عده‌ایی از روشنفکران، عامل بدبختی و عقب ماندگی ایران را در استبداد خلاصه کرده‌اند و عنوان کرده‌اند برای پیشرفت، می‌بایست از استبداد جلوگیری و به آزادی‌ها احترام گذاشت. اما آیا این تحلیل، یک تحلیل ساده‌اندیشانه و مبتدیانه نیست؟ آیا اقلیم جغرافیایی بومی و تاریخ و فرهنگ قبیله‌ایی و آداب و رسوم امنیت مالکیت و مشروعیت و که غرق در غفلت و محرمات است نقشی در عقب افتادگی و توسعه نیافتگی ایرانیان ندارند. عباس میرزا ۲۰۰ سال پیش بعد از شکست از روسیه از نماینده فرانسه پرسید «نمی‌دانم این قدرتی که شما را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟». این پرسش عباس میرزا، نماد جست‌وجوی ۲۰۰ ساله ما ایرانیان به دنبال توسعه شده است. تاریخ ایران تاکنون چهار نوع اندیشه سیاسی را تجربه کرده است: ۱- قبل از ورود اسلام به ایران، ۲- از اوایل دوره ورود اسلام تا دوره سلجوقیان، ۳- از دوره سلجوقیان تا دوران مشروطه و ۴- دوران مشروطه. تا قبل از دوران مشروطه حاکمیت متعلق به نظام شاهنشاهی بود و از دوران مشروط تاکنون تلاش می‌شود که ایران در مسیر توسعه

قرار گیرد. این تلاش‌های ادامه دارد و ادامه‌دار بودن این تلاش‌ها به این دلیل است که نهادها به راحتی و سادگی تغییر نمی‌کنند. کسانی که قصد دارند یک شبه با یک شوک اقتصادی همه مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند یا فکر می‌کنند با وقوع یک انقلاب همه مشکلات سیاسی کشور رفع می‌شود، در اشتباه هستند. چرخه شوم و ذخیره دانش تاریخی اشتباه بودن نظر آن‌ها را ثابت می‌کند. در حقیقت، بدون توجه به نهادهای تاریخی اقتصاد سیاسی ایران و نهادهای غیراقتصادی که بر عملکرد ضعیف توسعه اقتصادی در اقتصاد سیاسی تاثیر می‌گذارند. دستاوردی حتی در ادبیات نظری در اقتصاد سیاسی نمی‌توان برای توسعه اقتصاد سیاسی ایران متصور بود. چالش اصلی پژوهش این است که چگونه ویژگی‌های غیراقتصادی نهادهای تاریخی جوامع بر عملکرد ضعیف توسعه اقتصادی تاثیر می‌گذارند. اینکه نهادهای غیراقتصادی و نظام سیاسی چگونه بر نظام اقتصادی و عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذاشته و تاثیرپذیری متقابل عملکرد اقتصادی از نظام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در تاریخ ایران به چه شکل بوده است. علی‌رغم چارچوب نظری اصلی که این پژوهش آن را مطرح کرده‌اند، تا به حال پژوهشی اثر گذار در خصوص واکاوی ریشه‌های استمرار عملکرد نامطلوب توسعه اقتصادی ایران در اقتصاد سیاسی از منظر نهادگرایی جدید به صورت جدی صورت نگرفته است. پژوهش پیشرو در پی آن است علت توسعه نیافتگی را ریشه در علل نهادهای تاریخی ایران از منظر متفاوت بررسی نماید. دلیل این تفاوت بهره‌گیری از رویکرد نهادگرایی تاریخی جدید است. رویکرد نهادهای تاریخی جدید با تاکید بر جایگاه ارزشی نهادها در ادبیات توسعه تحولی بزرگ ایجاد کرد. علی‌رغم وجود مقالات پر شمار در تحلیل نهادهای توسعه توسط «داگلاس سیسل نورث» و «عجم اوغلو» و «جیمز رایینسون»، اندیشمندانی نظیر «داگلاس نورث» کمتر رساله‌ای به زبان فارسی در خصوص تحلیل رویکرد نهادهای توسعه در پسا انقلاب اسلامی در اقتصاد سیاسی

بین‌الملل به نگارش درآمده است. با توجه به ویژگی بین رشته‌ای این رویکرد در تحلیل مسایل توسعه و توجه ویژه اندیشمندان و نهادهای توسعه‌ای دنیا نظیر «جارد دایموند» و «نورث» و «عجم اغلو» و همکارانش در این پژوهش در نظر دارد از این منظر رخدادهای تاریخی و ذخیر دانش و انبان تاریخ قبل اسلام و بعد از اسلام و تاریخ معاصر جستجو کرد. روند توسعه اقتصادی - سیاسی در هر کشوری با توجه به پیشینه تاریخی بومی هر کشوری متفاوت است. دلیل آن هم مشخص است، اگر روند توسعه در تمام کشورهای یکسان است و یک نسخه تجویز می‌شد چرا از بین تمام کشورها را تعداد کمی از کشورها به رشد و توسعه اقتصادی - سیاسی دست یافته‌اند. لذا در این راستا در این مقاله سوال اصلی تحقیق این گونه طرح شده است، که چه عوامل بنیادینی سبب استمرار عملکرد نامطلوب ایران در زمینه اقتصادی شده است؟ در پاسخ نیز این فرضیه مطرح گردیده است که نظم دسترسی محدود و عدم گذار به نظم دسترسی باز عامل بنیادین توضیح دهنده استمرار عملکرد نامطلوب اقتصادی ایران است. در ادامه با بررسی ادبیات تحقیق و رهیافت نظری به روش تاریخی به بررسی فرضیه طرح شده می‌پردازیم.

#### ۱. ادبیات پژوهش

در باب ادبیات پژوهش چرایی و چگونگی شکل‌گیری، چرخه شوم توسعه نیافتگی اقتصاد سیاسی ایران، بسیاری از اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی تالیفات بسیاری دارند. از میان انبوه این تالیفات می‌توان به نظریه‌ی «شیوه‌ی تولید آسیایی» مارکس و انگلس که بهره‌مند از اندیشه‌های متفکرانی همچون منتسکیو، هابز و هگل بوده و همچنین نظریه‌ی پدر میراثی «پاتریمونیالیسم» ماکس وبر و نیز «استثمار شرقی» «کارل اگوست ویتفولگ» از شهرت بیشتری برخوردارند و بر تدوین نظریه‌های بعدی تأثیر قابل توجهی داشته‌اند. «مسئله‌ی چرخه شوم استثمار در ایران» را در آثار خود از نظر دور نداشته‌اند. اما در میان متفکران ایرانی که به موضوع تاریخ

استثمار و استبداد جامعه و سیاست ایران علاقه‌مند بوده‌اند و مطالعاتی به صورتی روش‌مند و مستمر در این باره انجام داده‌اند و از مسئله‌ی استبداد و استثمار به توسعه نیافتگی رسیده‌اند، می‌توان از دسته اول: میرحسین آریان‌پور، فرهاد نعمانی، احسان طبری، احمد اشرف، محمدعلی عباس ولی، پرویز پیران، حسن قاضی‌مرادی، کاظم علمداری، و هوشنگ ماهرویان نام برد. و در دسته دوم: اندیشمندانی نهادگرا داخلی همایون کاتوزیان، علی رضا قلی والا، احمد سیف، فرشاد مومنی، و سیف‌زاده اشاره کرد. از میان آثار «داگلاس نورث» می‌توان به کتاب «خشونت و قانون نظم اجتماعی» و از میان آثار «عجم اغلو» می‌توان به کتاب ارزشمند و وزین «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» اشاره کرد. جارد دایموند، استاد جغرافیا و فیزیولوژی در دانشگاه کالیفرنیا، در دو کتاب بی‌نظیر «اسلحه، میکروب و فولاد» و «آشوب»، برغلاف عجم اغلو، تاکید می‌کند که اقلیم و جغرافیا در توسعه یک کشور نقشی پررنگ دارد. آنها به صورت‌بندی نهادهای سیاسی و اقتصادی نهادهای فراگیر و بهره‌کش در ایجاد مسیر توسعه و رشد اقتصادی می‌پردازند و با ذکر نمونه‌های تاریخی از کشورهای مختلف علل توسعه نیافتگی آنها را مورد بررسی دقیق قرار داده‌اند. نورث و عجم اغلو و جارد دایموند علت عقب‌ماندگی کشورها و فقر و عدم رشد آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما از کشور ایران در کتاب خود حرفی نزنده‌اند. نویسندگان داخلی به صورت تک بعدی به مسائل نهادی و تاریخی عدم توسعه نیافتگی ایران در تاریخ پرداخته‌اند. دستاوردی حتی در ادبیات نظری در اقتصاد سیاسی نمی‌توان برای توسعه اقتصاد سیاسی ایران متصور بود.

## ۲. رهیافت نظری: نهادگرایی

نهادگرایی، نوعی تجزیه و تحلیل و دیدگاه اقتصادی است که بر نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در مشخص تحولات توسعه اقتصاد سیاسی اشاره

می‌کند. این رهیافت مهمترین عامل بنیادین رشد اقتصادی را «نهادها» می‌داند. نهادهای اقتصاد همان «قوانین بازی» هستند. نهادها مشخص می‌کنند که فرآیندهای کار و انباشت ثروت در یک اقتصاد چگونه صورت بگیرند، سهم عوامل چگونه مشخص شود و نقش دولت و نخبگان و بخش خصوصی و مردم در مالکیت و تولید ثروت چقدر باشد. نهادها شامل نهادهای رسمی (قوانین و نظام‌های سیاسی) و نهادهای غیر رسمی (آداب و رسوم و فرهنگ) می‌شود. (نورت: ۱۳۹۵)

کشورهایی که نهادهای فراگیر دارند می‌توانند از دام اندک‌سالاری بگریزند، حاکمیت قانون را برقرار سازند، سیاست‌های صحیح اقتصادی اتخاذ کنند و نهادهای فراگیر را تقویت نمایند. برعکس کشورهایی که نهادهای اقتصادی و سیاسی استثمار دارند در یک چرخه شوم گرفتار می‌شوند که آن‌ها را با قانون آهنین اندک‌سالاری مواجه می‌سازد. به عبارت دیگر حرکت به سمت مردم‌سالاری دشوار می‌شود، منافع صاحبان قدرت بر منافع جامعه اولویت داده می‌شود، سیاست‌های نادرست اتخاذ شده و نهادهای استثمار تقویت می‌شوند (عجم اوغلو: ۱۳۹۴).

در این شرایط فرضیه پژوهش راه‌حل برون رفت از این چرخه شوم توسعه نیافتگی توانمندسازی (پادشکنندگی)<sup>۱</sup> است. سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی و نهادهای فراگیر تنها زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که شهروندان بتوانند خواسته‌های خود را به فرادستان تحمیل نمایند و این اتفاق رخ نخواهد داد مگر اینکه مردم توانمند و تاب‌آوری جامعه در مقابل نهادهای غیر فراگیر شوند. مطالعه تاریخ را از منظر مکتب نهادگرایی تاریخی مهم دانسته اگر نورت توسعه را از منظر اقتصاد نهادی بحث می‌کند، عجم اوغلو سخن از اقتصاد سیاسی می‌گوید. ارزش تئوری‌ها در این است که ساده‌تر و کوتاه‌تر حرف‌های بیشتری را بزنند (فیروزآبادی، ۱۳۹۴). تحلیل عجم اوغلو درباره ایران برای بعد از مشروطیت تا حد زیادی قابل

<sup>1</sup> Antifragility

قبول است: چرا نهادهای سیاسی گام به گام به عقب بر می‌گردند؟ چرا در یک بزنگاه تاریخی همبستگی رخ می‌دهد ولی بعد فروپاشی پیش می‌آید؟ توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است، ولی تا توسعه آموزش، تا توسعه تعلیم و تربیت یا به تعبیری توسعه فرهنگی رخ ندهد توسعه پایدار هم رخ نخواهد داد. همه جای دنیا، گردش امور بر مبنای منفعت‌طلبی شخصی است، ولی این منفعت‌طلبی شخصی طی مکانیسم‌هایی باید کمترین آسیب را به منفعت جمعی برساند. قواعد بازی به گونه‌ای است که اجازه می‌دهد بخشی از جامعه بخش دیگر را استثمار کند. این مساله بازیگران نیست، بلکه مشکل از قواعد بازی است که تعویض افراد چیزی تغییر نمی‌کند (نورث: ۱۳۹۴). نکته مهم در رویکرد نهادگرایی جدید این که تاریخ اقتصادی نقشی پررنگ در این روش دارد. علم اقتصاد برای مدت بسیار طولانی به پژوهش تاریخ اقتصادی بی‌اعتنا بود. بعد از روشن شدن کاستی‌های زیاد مدل‌های ریاضی انتزاعی که ویژگی‌های خاص جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی اقتصادها را نادیده می‌گرفتند، علم اقتصاد بالاخره به این نتیجه رسید که پژوهش تاریخ اقتصادها ضروری است. توسعه و رشد اقتصادی دغدغه امروزی بسیاری کشورها از جمله ایران است. بررسی علل نهادی توسعه نیافتگی دغدغه بسیاری از کشورها است که مورد مطالعه و پژوهش بسیاری از اقتصاددانان و اندیشمندان در قرن اخیر است. اختلافات و تفاوت‌های موجود در استانداردهای و امکانات زندگی، سطح زندگی، درآمد سرانه، میزان آموزش، بهداشت و به طور کلی شاخص‌های توسعه توجه بسیاری از اقتصاددانان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است. پرسشی که درباره ایران مطرح می‌شود این است که چرا ایران در چرخه شوم توسعه نیافتگی، یا با وجود فرهنگ و تمدن قدیمی و منابع طبیعی فراوان در برخی از مناطق، نتوانسته است همزمان با کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی پیش برود، چرا این کشور نتوانسته است به پیشرفت‌های فناورانه دست

یابد؟ و یا در صورت دستیابی به درستی در جهت رشد و توسعه کشور استفاده نشده است. بنیان این پژوهش بر شش اصطلاح کلیدی استوار است. اصطلاح اول پادشکننده (آنچه از بی‌نظمی بهره می‌برد). مفهوم پادشکنندگی فراتر از قابلیت ارتجاع و استحکام ساختاری است چرا که سیستم را در موقعیت بهتری از وضعیت پیشین قرار می‌دهد (نسیم طالب: ۱۴۰۰). اصطلاحات دوم و سوم که مکمل یکدیگرند، «نهادهای فراگیر<sup>۱</sup>» و «نهادهای بهره‌کش<sup>۲</sup>» هستند. منظور از نهادهای فراگیر، اعم از نهادهای سیاسی و اقتصادی، نهادهایی است که امکان فعالیت آزاد را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند. نهادهای بهره‌کش در نقطه مقابل قرار دارند و راه ورود عموم را به قدرت سیاسی و فعالیت اقتصادی می‌بندند و این مزایا را در اختیار نخبگان خاص قرار می‌دهند. جان مایه تحلیل این مفاهیم این است که هر جامعه‌ای که نهادهای فراگیر در آن حاکم شده‌اند، آن جامعه راه رشد اقتصادی و سعادت را پیموده است و برعکس جوامعی که نهادهای بهره‌کش بر آن مسلط شده‌اند به راه خودکامگی و توسعه نیافتگی افتاده‌اند (عجم اوغلو: ۱۳۹۴). اصطلاحات چهارم و پنجم که باز هم مکمل هم هستند شامل «چرخه‌های فضیلت<sup>۳</sup>» و «چرخه‌های شوم (رذیلت)<sup>۴</sup>» می‌شود. وقتی در جامعه‌ای نهادهای فراگیر پا می‌گیرند، این نهادها راه را بر کژی‌ها می‌بندند و حتی اگر در مقاطعی نخبگان در صدد احیای نهادهای بهره‌کش بر آیند، قدرت نهادهای فراگیر راه را بر آنها می‌بندد. برعکس، جامعه‌ای که نهادهای بهره‌کش بر آن مستولی شوند، تلاش‌ها برای ایجاد نهادهای فراگیر مدام به سنگ موانع می‌خورد (عجم اوغلو: ۱۳۹۴).

1 inclusive institutions

2 abstractive institutions

3 virtuous circles

4 vicious circles



اصطلاح ششم، «بزنگاه تاریخی»<sup>۱</sup> است که دلالت بر مقاطع خاص در تاریخ جهان دارد. این اصطلاح که ترجمه واژگانی آن «بزنگاه حیاتی» یا «مقطع سرنوشت ساز» است، در وصف ادواری از تاریخ به کار رفته که جوامع مختلف، اعم از جماعات کوچک و یا کشورها، فرصت انتخاب داشته‌اند و راه آینده آنها از درون همین انتخاب‌ها بیرون آمده است. انتخاب لفظ تاریخی به جای حیاتی یا سرنوشت ساز، که ترجمه‌های دقیق تری هستند به این علت بوده که نشان دهد تاریخ ملت‌ها تابعی از انتخاب آنها در چنین مقاطعی بوده است (عجم اوغلو: ۱۳۹۴).

### ۳. عوامل استمرار توسعه نیافتگی اقتصادی ایران

#### ۳-۱- نظم دسترسی محدود در بستر اقلیم و جغرافیا

درباره منشأ و چرایی تداوم و استمرار نهادهای غیر فراگیر و چرخه شوم توسعه نیافتگی در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران جدای از خصایص غیر اقتصادی فرهنگ - نهادی عامل اول و اصلی کمبود آب و خشکسالی نقش بسیار مهمی در ساختار اقتصادی سیاسی ایران داشته است. بنا به دو دلیل اول اصلی: یکی آنکه باعث شکل‌گیری واحدهای تولید روستایی مستقل و منفک شده که مازاد تولید هیچ کدامشان آن قدر نبود که بتواند پایگاه اجتماعی قدرتمند فئودالی را به وجود بیاورد. دلیل دوم: اینکه به علت دوری و گستردگی مناطق ایران، انباشت و مازاد تولید روستاها آنقدر زیاد بود که اگر به دست یک نیروی نهادهای خارج از روستاها می‌افتاد، نهاد های غیرفراگیر سیاسی و اقتصادی لازم را جهت ساختن نهادهای غیر فراگیر استثماری برای آن به وجود می‌آورد. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۳۴)

ویتفولگ (کارل آگوست ۱۹۷۵) در کتاب خود «استبداد شرقی» خشکی و کم‌آبی سرزمین و ضرورت یک مدیریت قوی و متمرکز و عمومی بر تولید و توزیع آب را علت اصلی ظهور استثماری در کشورهای شرقی از چین تا ایران معرفی می‌کند.

<sup>1</sup> critical juncture

قبل از ویتفوگل نیز برخی اندیشمندان و نویسندگان غربی نظیر منتسکیو و آدام اسمیت به رابطه میان وضعیت اقلیمی کشورهای شرقی و نهادهای سیاسی استبدادی و استثماری حاکم در این کشورها اشاره کرده بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۳۴). توسعه نیافتگی ایران را در تقدیر کم آبی طبیعت و پراکندگی جامعه ایرانی می‌داند که به ستیز بین یکجانشینان با کوچ نشینان منجر شده است. از یک سو، دولت‌ها فراطبقاتی و ماوراء جامعه بودند و از سویی دیگر، تضاد ملت با دولت را موجب شده است (رضا قلی: ۱۳۹۸، ص ۴۵).

از زمانی که انسان پدید آمد با منابع مشکل داشت درواقع دو شکاف عمیق در تاریخ بشر ائتلاف افتاد، شکاف عمیق اول روی آوردن انسان از شکار به کشاورزی بود و شکاف عمیق دوم پیشرفت تکنولوژی و تغییر منابع به واسطه علم بود. انسان با وارد کردن علم به بهره‌وری منابع اضافه کرده است. شکاف عمیق اول در ایران هنگامی رخ داد که ایرانیان به صنعت خروج آب‌های زیرزمینی و کشاورزی در فلات ایران دست یافته است. اروپاییان مشکل کم آبی نداشته‌اند در حالی که ایرانیان شاید میلیاردها دلار برای به دست آوردن یک کاسه آب خرج کرده‌اند. شکاف عمیق دوم در اروپا انجام گرفت و منجر به بهره‌وری منابع شد اما در ایران با پول نفت صورت گرفت و تکنولوژی‌ها نیز تمام منابع زیرزمینی را خشک کرد. در این صورت دولت و نخبگان فعلی نیز نمی‌تواند از قوانین مالکیت کارآمد دفاع کند. برای برون‌رفت از این بحران باید ریشه‌یابی‌های تاریخی صورت بگیرد.

### ۳-۲- معمای نظم دسترسی محدود و فرهنگ غارتی

عامل دوم به چگونگی ارتباط میان اخلاق و فرهنگ، سیاست و اقتصاد و چرخه شوم توسعه نیافتگی در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران بر می‌گردد. آن چه که از نظریه‌ی حکومت و نهادهای استثماری غیر فراگیر برداشت می‌شود، این است که عامل اخلاق، فرهنگ در اقتصاد سیاسی و عوامل سیاسی نقش تعیین کننده و مسلط را

خواهند داشت. به عبارت دیگر فرهنگ سرانجام تحت تأثیر اقتصاد سیاسی شکل می‌گیرد و عمل می‌کند و فرایند رشد نهادی فراگیر یا غیرفراگیر و شتابان تغییر و تحولات نهادی اخلاق، فرهنگ بستگی کامل و تام به عامل اصلی و نقش اساسی اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد دارد که ریشه‌های اصلی آن را باید در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران جستجو کرد. نقش فرهنگ و اجزاء آن از جمله ایدئولوژی اگر نگوییم نادیده انگاشته شده است، دست‌کم با اهمیت ثانوی ظهور می‌کند. سوالی که اینجا مطرح است این است که نقش فرهنگ و اخلاق در معنای عام آن در رویکرد نهادگرایی تاریخی ایران و اقتصاد سیاسی آن در نظریه‌ی در چرخه شوم توسعه نیافتگی ایرانی چیست؟ آیا فرهنگ و اخلاق بنا بر برخی برداشت‌های جبرگرایی اقتصادی مارکسیستی تنها انعکاس از مناسبات و شیوه‌ی تولید اقتصادی است. یا از یک استقلال و خودمختاری نسبتاً نسبی برخوردار است و سازوکارها و نقش‌آفرینی‌های خاص خود را در جامعه و تاریخ اقتصاد سیاسی ایران دارد؟

مطالعه و بازشناسی اخلاق و فرهنگ در تاریخ اقتصاد سیاسی ایران می‌تواند دریچه‌ای نوین بر نظریه‌ی رویکرد نهادگرایی تاریخی ایران بیفکند و افق‌های تازه‌ای را نمایان سازد. اگر نظریه رویکرد تاریخی نهادگرایی جدید به گونه‌ای باز پرداخت شود که به تأثیر متقارن و متقابل اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و البته به احتمال برحسب موقعیت زمانی و مکانی مختلف در ادوار مختلف تاریخی ایران گاهی بر تعیین‌بخش یکی از این عناصر بر دو عامل دیگر تأکید شود، و یا برعکس بر تأثیر تداخلی و پیوند آن‌ها در یکدیگر در زمان و مکانی دیگر و مختلف (شرایط تاریخی دیگر) قوت علمی بیشتری یابد. اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد در سه لایه چرخه شوم توسعه نیافتگی در تاریخ ایرانیان نمایان است. لایه اول به اثر اخلاق نامطلوب ایرانیان می‌پردازد. این اخلاقیات می‌توانند سد راه توسعه شوند. این اخلاقیات رسوب‌های ته‌نشین شده در ایرانیان به واسطه اثر تاریخ و جغرافیاست

اما تاریخ و جغرافیا فقط در اخلاقیات بروز نکرده‌اند، بلکه لایه دوم راجع به نهادهاست، یعنی «مجموعه مناسبات تثبیت شده در طول زمان که تعامل بین آدم‌ها را تنظیم می‌کند... نهادها گرامر زندگی جمعی‌اند». شرح انواع نهادها بخش مهمی از مدل چندسطحی را در بر می‌گیرد. لایه سوم، تبیین‌کننده توسعه نیافتگی «ظرفیت محدود حکمرانی و حل مسائل ملی» است. این ظرفیت محدود هم خود متأثر از ساختار نهادهاست. این «روایت سه لایه توسعه نیافتگی ایران است که در لایه‌های تحت تاثیر تاریخ و جغرافیای ایران قرار دارد که اخلاقیات ایرانیان را شکل داده است. توسعه نیافتگی ایران «حاصل رفت و برگشت عوامل مختلف در طول تاریخ» است. نقطه آغاز پاسخ به این سوال را نوشتاری از «برایان لوی» و «فرانسیس فوکویاما» درباره نقاط شروع یا عزیمت گاه کشورها برای توسعه قرار می‌دهد. لوی و فوکویاما چهار عزیمت گاه «دولت سازی»، «آزادسازی سیاسی»، «رشد اقتصادی» و «شکل‌گیری جامعه مدنی» را برای نقاط آغاز راهبردهای توسعه معرفی کرده‌اند.

### ۳-۳- نظم دسترسی محدود و ساختار حکمرانی

اقتصاد ایران در چرخه شوم حکمرانی بد و ناکارآمدی‌ها گرفتار آمده، که در راس آن حکمرانی بد و ناکارآمد اقتصادی قرار دارد که در یک چرخه شوم بلا تکلیفی به سر می‌برد. وجود مشکلاتی چون «رانت، فساد، آلودگی، تحریم، عدم امنیت مالکیت خصوصی، تورم افسارگسیخته، فقر و بیکاری، عدم جذب سرمایه خارجی، رشد فزاینده نقدینگی، افول در تجارت خارجی، چالش در تعاملات انرژی و افت درآمدهای ارزی» را نیز نتیجه همین حکمرانی بد و ناکارآمدی حکمران می‌داند که در تمامی این سال‌ها اقتصاد و سیاست ایران را به عقب رانده است. در جایی که «شفافیت نباشد»، «نظم نباشد»، «حاکمیت قانون نباشد» و اصولی که باید برای رشد و توسعه و رفاه کشور رعایت شود، نادیده گرفته می‌شود، نمی‌توان انتظار توسعه را داشت. چراکه الزاما «نیت خوب منتج به نتیجه خوب در چنین سیستم‌هایی نخواهد

شد. اساساً ساختار و نهاد حکمرانی ما برای اداره یک کشور پر جمعیت، پر وسعت، پر منابع و در عین حال پر چالش، مبتنی بر واقعیت نبوده و بیشتر بر مبنای آرزوها و ایدئولوژی‌ها استوار بوده است، که در سراسر تاریخ ایران جواب خود را پس داده است. شاید بارزترین تفاوت «حکمرانی خوب» و «حکمران خوب» را بتوان در تفاوت توسعه در دو کشور شبه‌جزیره کره دید. جایی که کره‌شمالی در قعر کشورهای فقیر قرار می‌گیرد و کره‌جنوبی به قله رفاه و آبادانی می‌رسد. این موضوع ارتباطی به تفاوت اخلاقی، فرهنگی، نژادی و جغرافیایی ندارد زیرا دو کشور از این منظر مشابه یکدیگرند؛ بلکه به اصول حکمرانی خوب مرتبط است که در کره‌جنوبی، کشور بر اساس حاکمیت نهادهای فراگیر مردمی و سیاست تعامل با دنیا اداره می‌شود و در کره‌شمالی، حاکمیت قائم به فرد و همراه با سیاست تنش و درگیری با دنیا است (عجم اغلو: ۱۳۹۴).

### ۳-۴- معمای نظم دسترسی محدود و توزیع قدرت سیاسی

عامل مشروعیت و انواع آن در نظریه‌ی نهادگرایی جدید و چرخه شوم اقتصاد سیاسی در تاریخ ایران است. در طول تاریخ اقتصاد سیاسی ایران و تعدد چرخه شوم با انطباق نظریه رویکرد تاریخی نهاد گرایی جدید و عدم توسعه نیافتگی ایران آمده است. حکومت‌های پیش از اسلام در ایران معمولاً توجیه مشروعیت سیاسی خود را با دستیازی به مفاهیمی از قبیل «پادشاه دارای فره ایزدی» یا «نماینده‌ی اهورامزدا» بر روی زمین استوار می‌نمودند. در دوره پس از اسلام تا بر آمدن نهضت مشروطیت با گرده برداری از نظریه‌ی سیاسی فیلسوف شاهی افلاطون و در هم‌جوشی از این باور دینی که خلیفه جانشین پیامبر است و پس از صفویه با اقتباس از تلقی خاصی از امامت و ولایت سیاسی مذهب تشیع به بازسازی مشروعیت حکومت‌ها می‌پرداختند (کاتوزیان ۱۴۰۲). مسائل مرتبط با یکدیگر در تعیین مشروعیت حکومت و جانشینی سلطنت تاثیر داشتند. دولت از آنجا که مستقل از طبقات و فوق جامعه بود، مشروعیتی را که دولت‌های اروپایی داشتند،

فاقد مشروعیت بود و فقدان مشروعیت باعث می‌شد که مساله جان‌شینی نامعین و هزینه بردار باشد. گذشته از مساله فقدان مشروعیت که شاه و مقاماتش آن را نداشتند، نبود نهادهای قضایی مستقل در ایران سبب پدید آمدن این سنت چرخه شوم توسعه نیافتگی شد که سران کشور، نزدیکان شاه یا والی و حتی روحانیان بلندپایه برای نجات جان و مال کسانی که قربانی بدگمانی یا خشم سلاطین مستبد می‌شدند، میانجیگری کنند.

### ۳-۵- خشونت در نظم دسترسی محدود

خشونت و اعمال قدرت سیاسی در ایران نسبت به نهادهای فئودالیسم غربی متمرکز بود و در کلیه وجوه جامعه‌ی نهادهای استثماری باعث تداوم و استمرار تعدد چرخه شوم برقرار بود (جامعه‌ی کوتاه‌مدت) و سقوط یک نهاد دولت استثماری سبب تغییر نهاد استثماری نمی‌شد، بلکه موجب آشوب و هرج و مرج و قتل و غارت می‌شد و در نهایت کار به جایی می‌رسید که مردم از هر طبقه‌ای که بودند آرزوی بازگشت نهادهای غیر فراگیر و استثماری را داشتند، این همان چرخه‌ی شوم توسعه نیافتگی در تاریخ ایران است (نورث: ۱۳۹۵). آنگاه لاجرم نهادهای غیر فراگیر استثماری با رضایت مردم از فروپاشی و هرج و مرج بیشتر جلوگیری می‌کرد، تا زمانی که ترکیبی از فشارهای داخلی و خارجی دولت را از بین می‌برد و جایش را به دولت دیگری می‌داد. گذشته از آن، این نهادها فرهنگ پیش‌قانونی و پیش‌سیاسی مختص به خودش را پدید می‌آورند که با گذشت زمان در فرهنگ و تاریخ جامعه ریشه می‌کرد و صاحب ماهیتی مستقل می‌شد.

### ۳-۶- سلب مالکیت در نظم دسترسی محدود

کاوش در تاریخ تعدد چرخه شوم ۲۰۰ سال اخیر ایران و مواجهه آن با چرخه شوم توسعه نیافتگی ایران به این نکته می‌رسد که وظیفه دولت‌ها ایجاد «امنیت» است و منظور او از امنیت به معنی عام و خیلی گسترده یعنی امنیت در تمام زمینه‌ها مثل

امنیت مالی، حقوقی، جانی و روانی. اگر دولت‌ها نتوانند امنیت ایجاد کنند، در انجام سایر وظایف بعدی مثل رفاه و توسعه درخواست خواهند ماند. سلب مالکیت و مصادره اموال، سنتی مرسوم در تعدد چرخه شوم توسعه نیافتگی در تاریخ ایران بوده است و اصولاً، بنیان‌های اقتصاد دولتی در دوره پس از انقلاب نیز با مصادره گسترده اموال و دارایی‌های وابستگان به حکومت پهلوی و سلب مالکیت برخی کارآفرینان، سرمایه‌داران و تجار آغاز شد (کاتوزیان ۱۴۰۲).

### ۳-۷. تفکر پاتریمونیال در نظم دسترسی محدود

جمهوری اسلامی در قیاس با نظام سلطنتی پاتریمونیال نیست. تأثیری که حکومت پاتریمونیال پهلوی بر مردم ایران گذاشته این است که مردم به جای احساس مسئولیت برای تغییر وضع موجود و تعدد چرخه شوم به دنبال یک منجی و قهرمان می‌گردند تا بیاید و وضع مردم را بهبود ببخشد. زیرا این در ذهن مردم جاگیر شده است که کامیابی یا ناکامی همه در دست یک فرد است که پدر جامعه است. این ویژگی ذهن‌های توسعه نیافته است (کاتوزیان ۱۴۰۲).

وضعیت چرخه شوم توسعه نیافتگی فعلی ایران بدین شکل قابل ترسیم است:



#### ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

آینده چرخه شوم توسعه نیافتگی ایران چه خواهد شد؟ آینده چرخه شوم توسعه نیافتگی ایران هرچه باشد بر وضع امروز ما بنا خواهد شد، همان‌طور که وضعیت امروز ما نتیجه افعال پیشین ماست. از این‌رو برای پیش‌بینی آینده ایران لازم است بر گذشته خود چشم بیندازیم و نهادهای سازنده امروزمان را تبیین و تحلیل کنیم. پرواضح است که تحلیل نهادها را نباید با جبر تاریخی یا جبر ساختاری اشتباه گرفت. در نظریه‌های جبرگرایانه یا هر نظریه‌ای که آحاد جامعه را فاقد توان لازم برای تغییر شرایط موجود می‌داند، در واقع، دو گزاره پیاپی نهفته است. گزاره اول به نهادهای سازنده توسعه در تاریخ ایران می‌پردازد. گزاره دوم به نهادهای مذکور در گذشته که عامل تعیین‌کننده آینده هستند و نمی‌توان خارج از آنها اراده ورزید، می‌پردازد.

آینده توسعه در ایران نیز بر ستون‌های امروز نهادها کارا و فراگیر بنا خواهد شد و منبعث از همین علل نهاد-تاریخی فوق خواهد بود. اگر حاکمیت قادر باشد هر یک از این علل نهاد-تاریخی را در جایگاه اصلی و هماهنگ با سایرین به کار گیرد، گره‌های توسعه گشوده می‌شوند. این سرزمین نه تنها دارای سرمایه‌های انسانی و ثروت‌های بی‌شماری است، بلکه به سبب موقعیت ویژه ژئوپلیتیک از شانس صد چندان برخوردار است. واضح است رسیدن به آینده درخشان ایران به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد. اگر حاکمیت نتواند یکپارچگی و هماهنگی را میان علل نهاد-تاریخی فوق به کار گیرد، شاهد خواهیم بود که بخش‌های اقتصادی در سایه تداوم چرخه شوم به بازی منفعت‌طلبانه خود می‌پردازند و به محض آنکه اندک سرمایه‌ای انباشت کنند، به سبب بلا تکلیفی تاریخی مالکیت خصوصی، در جای دیگری جز اینجا به تولید می‌پردازند تا در امان بمانند.



## نتیجه‌گیری

ایرانیان در مسیر تاریخ پر فراز و نشیب خود ادوار مختلفی را پشت سر نهاده‌اند. در این مسیر تاریخ پر فراز و نشیب، چرخه شوم استبداد، استثمار و توسعه نیافتگی به وفور دیده می‌شود. اقتصاد سیاسی ایران روز به روز به طرف فروپاشی و انحطاط بیشتر حرکت می‌کند. هیچ دانش تاریخی که قابل توجه و عرضه باشد، در مقایسه با حرکت عظیم توسعه یافتگی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، در نزد ایرانیان وجود نداشت. ایران در سیاست و اقتصاد داخلی هم، دستخوش تجویز تعدد چرخه شوم اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای غیربومی غرب گرایانه و استثماری بوده است. کشورهای توسعه یافته استعمارگر، قدرت‌های مسلط اقتصاد دنیا، بر روی سیاست‌های توسعه‌ای ایران اثر می‌گذاشتند. ایرانیان با تاریخ خود در قالب مسئله تعدد چرخه شوم نهادی آشنا نیستند. ایران پیشینه تاریخی بلندی دارد و تعدد چرخه‌های شوم در ادوار تاریخی گذشته نشان می‌دهند که علل نهادی توسعه نیافتگی ایران چه بوده است. بدیهی است که ایران همان مسیری را نپیموده که چین و آمریکا پیموده‌اند. ایران در محدودیت‌های جغرافیایی - فرهنگی به سر می‌برده است که بر زندگی اجتماعی ایرانیان تاثیر بسزا داشته‌اند. با این وجود، تاب‌آوری ایرانیان در برابر استثمار و استبداد حاکم و شاهان و مهاجمین خارجی باعث شد تا برخلاف سایر کشورهای همسایه، اقتصاد و فرهنگ و سیاست در ایران هنوز سر زنده باشد. جنبش‌های اجتماعی ایران در دوره مشروطه را می‌توان براساس نظریه پادشکننده<sup>۱</sup> تعریف کرد. جنبش‌های آزادی‌خواهای مشروطه که توسط حکومت‌ها سرکوب شد، در نهایت با رشد نهادهای فراگیر قوی‌تر شد. این نمونه‌ی واضحی از مفهوم پادشکنندگی چرخه شوم توسعه نیافتگی در تاریخ ایران است.

<sup>1</sup> Antifragility

یک ویژگی در سیستم‌ها است که اگر در معرض تنش و ضربه یا هر نوع ناملاطمت قرار بگیرد، به موقعیتی بهتر از قبل خواهد رفت و در برابر آن عامل، مقاوم‌تر خواهد شد. مفهوم پادشکنندگی فراتر از قابلیت ارتجاع و استحکام ساختاری است چرا که سیستم را در موقعیت بهتری از وضعیت پیشین قرار می‌دهد.

باید توجه داشت که پاشکننده چرخه شوم توسعه نیافتگی تحت فشار و تنش قوی‌تر می‌شود و انقلاب، شورش، و هرج و مرج بر ضد چرخه شوم توسعه نیافتگی به خشونت و سرکوب ختم می‌شود. بسیاری از نهادهای غیر فراگیر در تاریخ تعدد چرخه شوم ایران هستند که از بی‌نظمی، نوسان، آشفتگی سود می‌برند. رویدادهای تاریخی چرخه شوم توسعه نیافتگی ایران غیرقابل پیش‌بینی هستند. این پدیده‌های پیش‌بینی‌ناپذیر نه تنها جزئی جدا نشدنی از تعدد چرخه شوم جنبش‌های ضد توسعه هستند، بلکه برای ادامه‌ی آن ضروری و حتی مطلوب‌اند.

### منابع

۱. انگلس، فردریش (۱۳۸۰). منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت و نخبگان، ترجمه خسرو پارسا، انتشارات جامی.
۲. داگلاس نورث، جان والیس و باری وینگاست (۲۰۰۹)، خشونت و قانون نظم‌های اجتماعی: چارچوب محتوایی برای تفسیر تاریخ بشر،
۳. دهقانی فیروزآبادی، ج، (۱۳۹۴)، نظریه‌ها و فرایندها در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
۴. دوران، ویل (۱۳۸۲). تاریخ تمدن، کتاب ۱۲ جلدی، نسخه اینترنتی.
۵. رضاقلی، علی (۱۳۹۸)، سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران، ناشر: نهادگرا (وابسته به موسسه مطالعات دین و اقتصاد) رضاقلی، علی (۱۳۹۸). ائتلاف‌شناسی نخبه‌کشی: قائم‌مقام، امیرکبیر، مصدق: تحلیل ائتلاف‌شناسی برخی از ریشه‌های
۶. رضاقلی، علی (۱۳۹۸). اگر نورث ایرانی بود (شرحی بر تاریخ اقتصاد سیاست و فرهنگ ایران) ناشر: نهادگرا (وابسته به موسسه مطالعات دین و اقتصاد).
۷. ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ هشتم، ۱۳۸۳؛ صص ۶۴۴-۵۹۶.
۸. سیف، احمد (۱۳۹۹). نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تاکنون) چاپ دوم، نشر کرگدن

۹. شیرندی، وریا (۱۴۰۰). عوامل بنیادین درونی محدود کننده ظهور ایران در اقتصاد سیاسی بین الملل. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۰. عجم اوغلو، دارون آسم و جمیز رابینسون (۲۰۱۰). نقش نهادها در رشد و توسعه، ترجمه شده در: نهادها و توسعه، ترجمه، محمود متو سلی، مصطفی سمیعی نسب، علی نیکونستی، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۱. عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جمیز ای. (۱۳۹۴). چرا ملت ها شکست می‌کنند؟. ترجمه محمدحسین نعیمی پور و محسن میردامادی "توسط نشر روزنه به چاپ رسیده است. چاپ چهارم ۱۳۹۴.
۱۲. فوران، جان (۱۳۷۸). تاریخ تحولات اجتماعی در ایران؛ مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین.
۱۳. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز
۱۴. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۹). دولت و نخبگان و ائتلاف در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران.
۱۵. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۱). تضاد دولت و ملت، نظریه‌ی تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱؛ ص ۲۵، ۳.
۱۶. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۹۲). ایرانیان (دوران باستان تا دوره معاصر)، ترجمه حسین شهیدی، نشر مرکز، تهران.
۱۷. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۹). استبداد و آشوب؛ منطق تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخی ایران، در کتاب توسعه، جلد یازدهم، تهران، نشر توسعه، چاپ اول، ۱۳۸۱؛ صص ۷۸-۷۲
۱۸. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۴). ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ترجمه محمد قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴؛ فصل هفتم. ۴.
۱۹. کدی، نیکی آر (۱۳۸۱). ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان. ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران: انتشارات ققنوس
۲۰. کدی، نیکی، (۱۳۸۴)، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر قلم.

۲۱. لمبتون. ان. ک. س. ، (۱۳۶۳). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه‌ی یعقوب آرژند. تهران: نشر سپهر. چاپ اول.
۲۲. مشیزاده، حمیرا (۱۳۹۳). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۳. نورث، داگلاس (۱۳۸۵). *خشونت و قانون نظم‌های اجتماعی*: چارچوب محتوایی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر، داگلاس نورث، جان والیس و باری وینگاست، ۲۰۰۹ (ترجمه شده).
۲۴. نورث، داگلاس، والیس، جان جوزوف، وینگاست، باری (۱۳۹۵). *خشونت و قانون نظم های اجتماعی*، چارچوبی محتوایی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر. ترجمه جعفرخیرخواهان و رضا مجیدزاده. تهران: انتشارات روزنه.
۲۵. نورث، داگلاس؛ والیس، جان؛ وب، استیون؛ وینگاست، باری (۲۰۰۷). ترجمه جعفر خیرخواهان. «رویکردی نوبه مشکل توسعه اقتصادی: کشورها چگونه توسعه می‌یابند و چگونه زمان گذار را طی می‌کنند؟ حل معضل توسعه خشونت پیش شرط توسعه روزنامه دنیای اقتصاد ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، ۲۷ و ۲۸ آبان ۱۳۸۸ ص ۲۸ و ۲۹.
۲۶. نورث، داگلاس؛ والیس، جان؛ وینگاست، باری (۲۰۰۶). ترجمه جعفر خیرخواهان. «چارچوب محتوایی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری فصلنامه اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه ۳، زمستان ۱۳۸۵ ص ۹۲ تا ۱۵۱.
۲۷. نیکولاس، طالب نسیم (۱۴۰۰). کتاب پادشکننده: آنچه از بی‌نظمی بهره می‌برد. ترجمه مینا صفری. نشر نوین.
۲۸. ویتفولگ، کارل آگوست (۱۴۰۱). استبداد شرقی. ترجمه محسن ثلاثی. نشر ثالث.

29. Acemoglu, Daron & Robinson, James (2010). The Role of Institutions in Growth and Development, *Review of Economics and Institutions*, 1(2), pp. 1-33.
30. Acemoglu, Daron (2003), 'Why Not a Political Coase Theorem?', *Journal of Comparative Economic ing Paper No. 8831*.
31. Acemoglu, daron (2006). A simple model of inefficient institution. *scand.J. of economics*108(4), pp515-554.
32. Acemoglu, Daron, Georgy Egoro Acemoglu, Daron (2009), *Introduction to Modern Economic Growth*, Princeton University Press.v and Konstantin Sonin, (2008), "Coalition Formation in Non-Democracies", *Review of Economic Studies*, Vol. 75, No. 4.

33. Acemoglu, Darone (2003), A Historical Approach to Assessing the Role of Institutions in Economic Development, *Finance and Development*.
34. Anderson, W. (1964), Trickle Down: The Relationship between Economic Growth and the Extent of Poverty among American Families. *Quarterly Journal of Economics*, 78, pp.511-524.
35. North D.C. et al (2009), *Violence and Social Orders*, Cambridge.
36. North, D (1990). Institution, institutional change and economic performance. Cambridge University Press
37. North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2008). Violence and Social Orders, In: Governance Growth and Development Decision-making. World Bank
38. North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2009a). Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history. Cambridge University Press. p.13.
39. North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2009b). Violence and the rise of openaccess orders. *Journal of Democracy*, 20(1), Pp 55 -68
40. North, Douglass c. (1992), *The New Institutional Economics and Development*; Washington
41. University•Herbert Simon.
42. North, Douglass C., J. J. Wallis and B. R. Wingate (2009), *Violence and Social Orders*, Cambridge University Press.